



فرصت کار خیر

همیشه پیش روی ماست

«خیر در لحظه»
نعمتی که باید قدرش را بدانیم

نداشتم، حتی این به ذهنم رسید ماشینو بذارم پشت در محل کارم و بدون ماشین به خونه برگردم. از قیافم غم می‌بارید. تو همین فکرها بودم که نستتم توماشین و قید همه چیز رو زدم و گفتم چاره‌ای جز رفتن ندارم. راننده بنز که عاقله مردی به نظر می‌رسید سمت ماشین من اومد. با لبخند گفت شیشه رو پایین بدم. شیشه رو پایین دادم گفت بفرمایید بنزتونو بزنید. به لحظه جا خوردم. مگه این بنده خدا تو فکر و ذهن من بود؟! اصلاً مگه منو می‌شناخت؟! الان باید چی بگم بهش؟! دوباره به عالمه فکر از ذهنم رد شد. اما اون بنده خدا واقعاً انگار تو ذهن من بود و گفت: «نه در شأن شماست که نپذیرید و نه در شأن من هست که کار شما رو راه نندازم.»

از توی کیف پولش بین چک‌ها و دلارهاش گشت و یک تراولر ۵۰ هزار تومنی در آورد و گفت: «پنوی بگیرید بنزین بزنید بعداً ۵۰ تومن بدید به به آدم نیازمند.» زبونم بند اومده بود و جز تشکر چیزی برای گفتن نداشتم.

یادم نمیاد کجا خوندم یا شنیدم اما به این مدل کارها و عکس‌العمل‌ها تصمیم‌یا سفر خیر در لحظه می‌گین که در طول شبانه‌روز بارها و بارها سر راه ما قرار می‌گیره، اما توجه چندانی به اون نمی‌کنیم. شاید خدا سر راهمون قرار میده تا واکنش ما رو ببینه! از سر سبب غبطه می‌خورم به خوش فکری و حواس

نیم ساعت بیشتر می‌شد که توی صف پمپ بنزین بودم اما چاره‌ای نداشتم. چراغ بنزین از صبح روشن شده بود و امکان رفتن تا پمپ بنزین بعدی رو نداشتم. داشتم به این فکر می‌کردم مقصر خودم هستم که صبح تنبلی کردم و بنزین نردم و تا سراسر کار اومدم. بارون شدید هم می‌امود، طوری که سیلاب کف خیابون جاری و آب از هر سوراخی بالا زده بود. طبیعت تهران با بارون‌های عصرگاهی عجیب غریبه که همه خیابون قفل میشه و قاعدتاً تمام زمانبندی و برنامه‌ها رو به هم می‌ریزه.

روز شلوغی داشتم و حسابی خسته بودم. بالاخره بعد از ۲۰ دقیقه رسیدم داخل جایگاه، ماشین جلویی من یک بنز اس ۵۰۰ بود، منم پشت سرش رفتم تا ورودی جایگاه. همزمان پیاده شدم. چند دقیقه‌ای معطل کارت سوخت شدم. بالاخره نازل رو برداشتم. هنوز به باک نرسیده بودم که مسئول جایگاه بلند داد زد: «کارت‌خوان همین الان خراب شد. هر کی پول نقد نداره بنزین نزنه»، یعنی اون لحظه دلم می‌خواست فریاد بزنم. عادت داشتم صدقه‌ها رو می‌گذاشتم بالای آینه ماشین. با امید باز کردم اما عین یخ از هم وارفتم. جای صدقه‌ها خالی بود. یادم افتاد صبح ردشون کردم. سرموچند ثانیه گذاشتم رو فرمون ماشین، راهی جز ریسک کردن و رفتن تا پمپ بنزین بعدی

جمع آقای بنز اس ۵۰۰ که حتی شاید خودش هم ندونه چه لطف بزرگی در حق من کرد.

یاد این حدیث از امام باقر(ع) افتادم که می‌فرمایند: «هر کس برای بر آوردن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند ۷۵ هزار فرشته را مأمور می‌کند که بر او سایه بپفکنند و به هر قدمی برایش حسنه بنویسند و گناه او را محو سازند و درجانش را بالا ببرند و چون از کار او فارغ شود و مشککش را حل کند، ثواب حج و عمره را در نامه عملش بنویسند.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: کسی که حاجت برادر مؤمن خود بر آورده سازد، مانند کسی است که عمر خود را به عبادت گذرانده باشد.

از امام صادق(ع) نیز روایت شده است که فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است.» در حدیثی دیگر فرمودند: «بر آوردن حاجت مؤمن از ۲۰ حج که در هر حج صاحبش هزار درهم هزینه کند، بهتر است.»

کاش خدا هم به ما برای کار خیر در لحظه کمک کند تا به همین راحتی خیرات کنیم. کاش حواس مان باشد که این مدل تصمیمات در لحظه که در روزمرگی‌های ما اتفاق می‌افتد از ما یک نیکوکار واقعی می‌سازد.

شیشه‌های شکسته را جمع کردم

مرضیه / ۳۵ ساله

صبح اول وقت بود و بچه‌ها را گذاشتم مدرسه. رسیدم داخل کوچه که تقریباً پرتف و آمد هم بود. شیشه شکسته روی زمین ریخته بود و فکر کردم کسی رد نشود، احتمال پنجری وجود دارد. جارو و خاک‌انداز از منزل آوردم و جارو کردم و از وسط کوچه جمع شد.

از کار خیر تا رفاقت و سفر

محمد / ۴۰ ساله

ساعت از نیمه شب گذشته بود. با همسرم رفتم بستنی بخوریم. کنار خیابان خانم و آقای بودند که بنزین تمام کرده بودند. پمپ بنزین نزدیک بود. رفتم یک گالن بنزین گرفتیم و آوردیم. انگار دنیا را به آنها دادند و جالب این است باهم دوست هم شدیم و بعدها سفر هم رفتیم.

میخ را برداشتم تا وسیله نقلیه کسی پنجر نشود

مجتبی / ۴۲ ساله

با موتور بودم چشم به یک میخ خورد که وسط خیابان افتاده بود. دور زدم. موتور و پارک کردم و وسط ترافیک رفتم و میخ را برداشتم و پرت کردم داخل سطل زباله. حس خوبی داشت.

مادر بزرگ ناخوش بود

فرشته / ۳۶ ساله

مادر بزرگم حال خوبی نداشت. به رغم اینکه دو فرزند کوچک دارم اما آنها را پیش مادر خودم گذاشتم و مادر بزرگم را بر دم بیمارستان و سرم وصل کردند و حالش تا حدی بهتر شد. احساس خوبی داشتم.

از ری معنوی شب‌های رمضان

علی / ۳۲ ساله

هر شب مادرم را به همراه چند خانم همسایه با ماشینم به مناجات ماه مبارک رمضان می‌برم. رفت و برگشت و تمام روزها و شب‌ها انرژی معنوی این چند پیروزن همراهم هست و حسش می‌کنم.

کار خیر و دعای خیر

هما / ۶۴ ساله

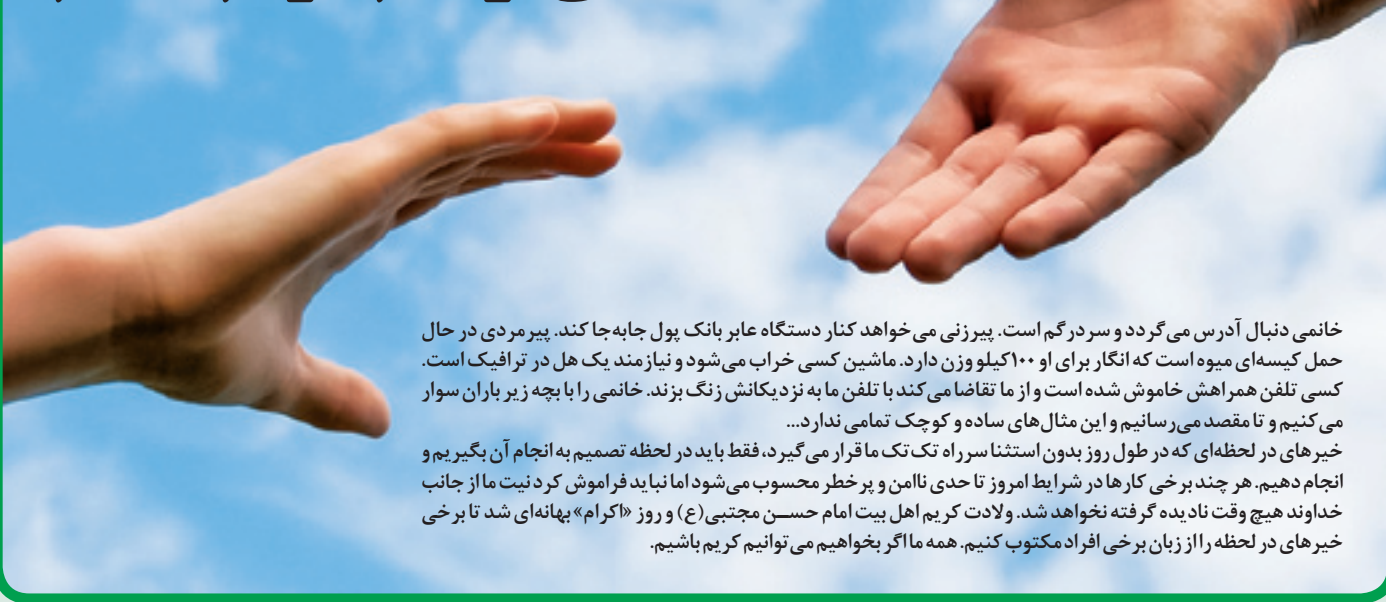
برای یک خانم نیازمند که مدت‌ها دنبال شغل بود، پرستاری در منزل را جور کردم. الان چند ماه است که مشغول کار شده و روزی نیست که مرادعا نکند.

برای کار خیر نیاز به پول نیست!

فراموش نکنیم برای کار خیر الزاماً نیاز به مادیات و پول نیست. همه ما در طول روز می‌توانیم یک خیر باشیم؛ خیری که تصمیم ما در یک لحظه بوده و عمدتاً در آن خیرها زمان و انرژی‌ای که صرف کرده‌ایم، صدها برابر ارزشمندتر از پول خرج کردن است. انجام کار خیر در زندگی اراده برای دیدن و چیدن فرصت‌ها می‌خواهد، پس بیایید از همین لحظه شروع کنیم.

کارهای خیر روزمره به روایت آدم‌های مهربان شهرمان

همه ما می‌توانیم کریم باشیم



خانمی دنبال آدرس می‌گردد و سردرگم است. پیرزنی می‌خواهد کنار دستگاه عابر بانک پول جابه‌جا کند. پیرمردی در حال حمل کیسه‌ای میوه است که انگار برای او ۱۰۰ کیلو وزن دارد. ماشین کسی خراب می‌شود و نیازمند یک هل در ترافیک است. کسی تلفن همراهش خاموش شده است و از ما تقاضا می‌کند با تلفن ما به نزدیکانش زنگ بزند. خانمی را با بچه زیر باران سوار می‌کنیم و تا مقصد می‌سانیم و این مثال‌های ساده و کوچک تمامی ندارد...

خبرهای در لحظه‌ای که در طول روز بدون استئنا سر راه تک تک ما قرار می‌گیرد، فقط باید در لحظه تصمیم به انجام آن بگیریم و انجام دهیم. هر چند برخی کارها در شرایط امروز تا حدی آسان و در خطر محسوب می‌شود اما نباید فراموش کرد نیت ما از جانب خداوند هیچ وقت نادیده گرفته نخواهد شد. ولادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی(ع) و روز «کرام» بهانه‌ای شد تا برخی خبرهای در لحظه را از زبان برخی افراد مکتوب کنیم. همه ما اگر بخواهیم می‌توانیم کریم باشیم.

کوچه‌پس‌کوچه‌ها می‌گذارم که در ساعت ۷ و ۸ شب تقریباً حلقه است. چند قدمی به ماشین خود مانده بود که دیدم شیشه‌های عقب یک ماشین کاملاً پایین است. نیم‌گاهی کردم و به گمان اینکه کسی داخل ماشین باشد، دقت کردم اما بی‌نتیجه بود و دقت باعث شد بفهمم درهای ماشین به ظاهر قفل است در حالی که به سادگی می‌شد درهای خودرو را باز کرد. چند دقیقه‌ای صبر کردم اما کسی نیامد. با ۱۱۰ تماس گرفتم و شرح ماجرا کردم. پلیس از من خواست تا آمدن صاحب خودرو صبر کنم. هوا سرد بود. ۱۰ دقیقه‌ای گذشت و یک آقای که مشخص بود محلی نیست نزدیک ماشین شد و در را باز کرد. نگاهش به من افتاد. گفت: شما با پلیس تماس گرفتید، گفتیم: بله. گفت: نمی‌دانم چطور جریان محبت کنیم. حال خوشی ندارم این روزها و حواس پر تی باعث شد فراموش کنم بچه‌ها شیشه‌های عقب را بالا برده بودند یا نه! خدا خیرتان بدهد.

کمک به مسافران سردرگمان مترو

سعیده / ۳۸ ساله

برای ارانه مدارک به دفتر بیمه رفتم. موقع خروج خانم سن بالایی را

کمک به همسایه حامل را خوب کرد

محمد / ۴۵ ساله

یکی از همسایه‌ها کلی وسیله و بار داشت تا از پشت ماشین به منزل برسد. شناخت زیادی از او هم نداشتم اما استیصالش را برای حمل لازم حس می‌کردم. نه می‌توانست رها کند و نه می‌توانست چند بار تا سر کوچه برسد. نزدیک رفتم و گفتم اگر اشکالی ندارد کمک کنم. انگار که از خدا خواسته بود. کلی حال خودم خوب شد.

کار عموراه افتاد

محمد / ۴۶ ساله

چند شب پیش عمومیم که حدود ۶۵ سال دارد کار فوری داشت و باید نرم‌افزار ایشا را نصب می‌کرد، اما بلد نبود. تلفنی متوجه نشدم. مسافت خانه من تا منزل عمومی یک ربع بود. حضوری رفتم و برنامه را برای او نصب کردم. کارش راه افتاد. بغلم کرد و دعام کرد و همین حس خوب برای یک هفته من کافی است.

در آسانسور دیدم که از من آدرس یک داروخانه را پرسید. با ماشین تا یک مسیری آوردم تا راحت‌تر بتواند مسیر را پیدا کند. همچنین به خاطر مسیرم تقریباً هر روز با مترو رفت و آمد دارم. یک برنامه مسیریابی هست که برای هر کسی که در مترو سرگردان مانده از آن استفاده می‌کنم و آدرس دقیق را برای‌شان می‌نویسم.

آموزش عملکرد عابر بانک به پیر مرد

سهیلا / ۵۴ ساله

چند باری شده بود که وقتی به باجه عابر بانک نزدیک خانه می‌رفتم، پیرمردی را می‌دیدم که همواره از بقیه می‌خواهد برای او پول جابه‌جا کند. یک بار هم از خودم خواسته بود. این بار ایستادم و گفتم: پدر جان می‌خواهی به خودت یاد بدهم، کار سختی نیست. گفت: هیچ کس حوصله ندارد یادم بدهد. گفتم: من دارم. به پیرمرد جابه‌جایی پول را یاد دادم و از او خواستم فراموشی را تکرار این کار همین ساعت همین جا باشد و این عملکرد را تا چند بار تکرار کردیم. حالا هر وقت اتفاقی از آنجا گذر می‌کنم، گاهی همان بنده خدا را می‌بینم که خودش در حال جابه‌جا کردن پول است و این موضوع حال خوبی به من می‌دهد.

حس خوب زیارت کامل شد

ریحانه / ۳۰ ساله

حیاط جگرمان بودیم، شنیدم پشت سرم کسی می‌گفت دخترم، دخترم. برگشتم دیدم خانم خمیده‌قامتی مرا صدا می‌کند. گفتم: با من هستی؟ جانم. گفت: میشه همراه من سوار آسانسور بشی من می‌ترسم. خواستم بگم که هوا خیلی سرده و همسر و بچه‌های منتظرم هستند اما با خودم گفتم مگر چه قدر طول می‌کشد حالا فرض کنم پنج دقیقه دیرتر آمدیم. یک طبقه تا سرویس بهداشتی همراه خانم شدم و با کلی دعای خوب برگشتم. کاملاً حس کردم که ضیافت زیارت با لبخند و دعای خیر آن خانم کامل شد.

از بنزین تمام شد، ناامید نباش

محمد صادق / ۳۵ ساله

اتوبان شهید صیاد شیرازی بودم. بنزین موتور سیکلم تمام شد... دست گرفتم برای گذری‌ها و نفر دوم ایستاد. بنزین خودش به حداقل رسیده بود. با شرمندگی عذرخواهی کرد اما یک بطری نوشابه خالی به من داد و گفت شاید لازم باشد. نفر بعدی که دست گرفتم هم ایستاد. با همان بطری بنزین کشیدم و به من داد. محبت و کار خیر به همین سادگی.

ناکسی را یگان سالمندان شدم

الهه / ۴۲ ساله

تره‌بار ما در خیابانی است که خودروهای مسافرکش تردد ندارند. اغلب نگاه می‌کنم کسی باری داشته باشد سوار می‌کنم. چند وقت پیش خانم و آقای نسبتاً مسن ایستاده بودند و مقداری میوه همراه داشتند. فاصله متوجه شدم تقریباً خانه‌های مان نزدیک است. کار رو رسوند، چون داشت حامل بد می‌شد و توان ایستادن نداشتم. باران هم تازه گرفته بود. اول گفتند تا انتهای خیابان می‌رویم و گفتند که می‌خواستند گوشت بگیرند اما تره‌بار اصلاً گوشت خوبی نداشت. تصمیم داشتم به خیابان بالایی بروند گوشت بخردند تا قبل از آمدن دخترشان از شهرستان آمادگی پذیرایی داشته باشند. با خودم فکر کردم اگر انتهای خیابان آنها را پیاده کنم، باز سخت ماشین پیدا می‌کنند. تصمیم گرفتم تا خیابان بالایی دو قصابی آنها را برسانم. در همین فاصله متوجه شدم تقریباً خانه‌های مان نزدیک است. کار کوچکی همان اطراف داشتم. گفتم شما خرید کنید تا من بروم دور بزنم پیام دنبال شما. باز کلی خوشحال شدند. خلاصه گوشت را هم خریدند و آنها را رساندم. کلی کیف کردند و کلی هم دعا به جان من. ولی بیشتر از آنها خودم خوشحال شدم که خدا من را لایق دانست و چنین سعادت بی من داد که بتوانم به خلقت کمک کنم. واقعاً روزهایی که می‌توانم به کسی کمکی هر چند کوچک کنم، آن روز کلی خوشحالم.

با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم

نیکو / ۳۶ ساله

روزهای زمستانی سال گذشته بود که از محل کارم به سمت ماشین می‌رفتم. ماشین را عمدتاً به دلیل نبود جای پارک در

۳ پرده از نمایش کرامت امام حسن مجتبی(ع)

انسه اطهار(ع) مظهر صفات خدای متعال هستند و همه صفات الهی در وجود نورانی آنان بر توافقتی می‌کنند. در زیارت جامعه از اهل بیت(ع) به عنوان منبع‌های کرامت با جمله اصول‌الکرم یاد شده و نشان‌دهنده این است که هر کسی بخواهد مورد تکریم و سخاوت واقع شود، باید سراغ منابع آن که انسه اطهار(ع) است برود، ولی بعضی از صفات به طور خاص در هر امامی برای اهل معرفت و برای تربیت انسان‌ها بروز و ظهور پیدا کرده است، از این روی بر آن شدیم به مناسبت ولادت باسعادت امام حسن مجتبی(ع) که در سه پرده‌نگاهی به صفت کریم آن امام همام که در وجود نورانی ایشان تجلی پیدا کرده است، داشته باشیم.

علیرضا فرهنگ*

به ما آموخته است. آنجا که می‌فرمایند: «وَإِذَا حُبِبْتُمْ فَتَحَبَّوْهُ فَحَبِّبُوا بِحَسَنِ مَنَاسِبِهَا»؛ وقتی به شما تبحیبتی داده شد، بهتر از آن، پاسخ بگویید». پس بدانیم که کریم کسی نیست که فقط از آنچه دارد به دیگران بدهد بلکه در قبال آنچه دیگران کریمانه به او می‌دهند، برتر نیز بخشش را انارشان می‌کند.

پرده سوم: بخشش با حفظ کرامت انسانی

بعضی از انسان‌ها کریم هستند ولی در این صفت مراعات شخص نیازمند را نمی‌کنند و بخشش خود را با نشان دادن بارفتارهای دیگر در مقابل نیازمند ظاهر می‌کنند و این باعث شرمساری نیازمند می‌شود. امام حسن(ع) در بخشش خود درس حفظ آبروی افراد را نیز به همگان دادند. از این رو روایت کرده‌اند: مردی نامه‌ای به دست امام حسن(ع) داد که در آن حاجت خود را نوشته بود. امام بدون آنکه نامه را بخواند به او فرمود حاجتت را می‌خوانم و می‌دیدد حاجتت چیست و آنگاه طبق حاجتت پاسخ می‌داد بد! امام پاسخی فرمود: بیم آن را دارم که خدای تعالی تا به این مقدار که من نامه‌اش را می‌خوانم از خواری مقامش مرا مورد مؤاخذه قرار دهد(محمد بن یوسف زندی، از دانشمندان اهل سنت، در کتاب نظم در السمطین)

به امید اقتدا به الگوی کرامت، امام حسن مجتبی(ع).

* پژوهشگر حوزه دین



برده اول: «اخلاق کریمانه» منشأ بیداری انسان‌ها انسان‌های زیادی با اعتقادات و باورهای خودشان زندگی می‌کنند ولی در بین افراد کسانی هستند که همراه با باور، رفتار خودشان را نیز در زندگی روزمره با مردم به ظهور و بروز رسانده‌اند. گویا آنچه می‌گویند را در رفتار بزرگ‌منشانه بدون هیچ هیاهویی به دیگران منتقل و قلب و دل آنان را تسخیر می‌کنند. با مرور زندگی امام حسن(ع) بر تویی از این نور را مشاهده می‌کنیم. وقتی آن مرد شامی که بغض و کینه علی(ع) را در دل داشت بر امام حسن(ع) گذشت و به حضرت ناسزا گفت، حضرت فرمود: ای شامی، گمان می‌کنم غریب هستی، اگر چیزی بخواهی به تو می‌دهیم و اگر راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می‌کنیم و اگر گرسنه‌ای سیرت می‌سازیم و اگر نیازمندی بی‌نیازت می‌کنیم و اگر بی‌پناهی، پناحت می‌دهیم. با دیدن این بر خود مرد شامی توبه کرد و اخلاق کریمانه امام او را پیدار کرد، پس یکی از مصادیق بزرگ کریم بودن افراد اخلاق کریمانه با گذشت از جاهلان است.

برده دوم: برترین نوع بخشش‌ها

قرآن درس‌نامه بزرگ تربیتی و زندگی است که باید توسط عاملان آن با رفتار و کردار شایسته به دیگران منتقل شود. از این رو درس بزرگ رفتاری امام که برگرفته از دل آیات قرآن است، این را در عمل به انسان‌ها آموخت. در تاریخ نوشته‌اند کثیری یک شاخه گل خدمت امام حسن(ع) هدیه کرد و امام(ع) در مقابل، آن کثیز را آزاد نمود و هنگامی که از علت این کار سؤال کردند، حضرت فرمودند: خداوند این ادب را

مراحل سه گانه آمادگی برای شب‌های قدر در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی حیدری، استاد حوزه و دانشگاه

دل را برای میزبانی خدا از گناه تخلیه و با پاکی زینت کنیم

علی حیدری، استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» از چگونگی آمادگی در ماه مبارک رمضان برای ورود به شب‌های قدر می‌گوید و معتقد است: باید قلب خود را آماده کنیم تا خدا در آن تجلی پیدا کند. به اعتقاد وی کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین درخواست‌های خود را باید شب قدر نزد خدا بپریم و البته قبل از آن برای برداشته شدن موانع استجاب دعا تلاش کنیم.

آمادگی برای شب قدر

سالک برای رسیدن به سر منزل مقصود باید سه مرحله را طی کند و این سه مرحله در موضوعات مختلف صدق می‌کند. عدد سه عدد مهمی است. سه شب قدر داریم یا مثلاً سه ماه خاص رجب، شعبان و رمضان را داریم. در ماه مبارک رمضان سه دهه داریم یا ایام البیض نیز سه روز است. در واقع مراحل مختلفی در سیر و سلوک تعریف شده و عمدتاً سه مرحله است. این سه مرحله به نام تخلیه، تجلیه و تجلیه شناخته می‌شود. مرحله اول بحث تخلیه است، یعنی خالی کردن دل. به طور مثال در ماه رجب می‌گویند زیاد استغفار بگویند که همان خالی کردن دل از ذنات اخلاقی است و بعد به مرحله دوم که تجلیه است می‌رسیم که تزئین است، یعنی خانه دل را بعد از تخلیه باید با پاکی زینت داد و مرحله سوم تجلیه رخ می‌دهد. شب نوزدهم برای استغفار و تخلیه از محبت غیر خداست و در شب بیست و یکم با فضایل اخلاقی و محبت اهل بیت (ع) دل را تزئین می‌کنیم و در نهایت در شب بیست و سوم خود را در دل و جان ما تجلی پیدا می‌کند و همین برنامه را می‌توان در ماه رجب، شعبان و رمضان داشت یا در ایام البیض هم به کار برد، یعنی خانه دل را باید قبل از شب قدر آماده کرد و عدم برنامه‌ریزی خسارت جبران ناپذیری را خواهد داشت. باید با همین سه مرحله شروع کرد. برخی می‌گویند من ظرفی ندارم در حالی که خداوند به حدی بزرگ است که ظرف آن را برای ما فراهم می‌کند. شب قدر ما می‌توانیم از خدا همان ظرف را هم بخواهیم.

ملزومات دعا

بحث دعا و درخواست در شب‌های قدر بسیار مهم است. خداوند فرموده است دعوی استجب لکم، لذا ما باید روش درخواست را یاد بگیریم. یکم برای درخواست یک ظرف را قرار می‌دهد تا در آن چیزی بگذارد. ما باید ظرف داشته باشیم و باید استغفار ظرف را پاکیزه کنیم. اگر ظرف پاک و طاهر باشد و شیر را بریزیم، به همان اندازه اثر گذار است و اگر ظرفی اندازه دیک باشد که گوشه آن نجاست دارد و تمیز نیست، بی‌فایده است چرا که همه ظرف نجس می‌شود. در واقع ظرف و ظرف باید سنجیده داشته باشند. امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی می‌فرماید: دل‌های شما همان ظرف است. برخی قلب‌ها برعکس هستند، یعنی



شب نوزدهم برای استغفار و تخلیه از محبت غیر خداست، در شب بیست و یکم با فضایل اخلاقی و محبت اهل بیت (ع) دل را تزئین می‌کنیم و در نهایت در شب بیست و سوم خود را در دل و جان ما تجلی پیدا می‌کند

حس و حال شب‌های قدر به روایت رضانی‌ها

چیزی از قلم نیفتد، همه را از خدا بخواهیم

حمیده (۲۴ ساله): من از وقتی یاد دارم همیشه با وارد شدن به شب‌های قدر به حال و اضطراب و پریشونی بهم دست می‌داد که دلیلی هم نمی‌توانستم برایش پیدا کنم تا اینکه سال‌ها پیش شب نوزدهم پدرم به رحمت خدا رفت و هنوز هم برام همون حال ماندگار هست و واژه شب قدر با مفهوم واقعی یکتایی برای من معنا شده و حسش می‌کنم با تمام وجودم.

علی (۲۸ ساله): خدا را به تک‌تک اسم‌هایش قسم می‌دهم تا گناهان گذشته را بر من ببخشد و یک سال دیگر فرصت جبران به من بدهد.

مرصیه (۲۴ ساله): شب قدر یاد ما می‌اندازد که قدر لحظه‌ها را بدانیم و فاصله خود را با خدا برادریم و تلنگری است برای برداشتن این فاصله و گویا به ما می‌گوید که یک سال گذشت و شما فرصت دارید به کارهای خوب تمرکز کنید و از زخدهای تلخی که رقم خورد و مسیب آن بودیم آبراز بشیمانی کنیم.

پویان (۲۸ ساله): سعی می‌کنم خودم را بیشتر از سال قبل بشناسم و از خدا هم می‌خواهم برای این شناخت معرفت بدهد تا از نو خودم را شروع کنم.

علیرضا (۲۹ ساله): شب قدر شبیه عاشورا است. شب انتخاب است. همان خیمه و همان امتحان و همان چراغ خاموش و این ما هستیم که باید انتخاب کنیم با امام زمان خود باشیم یا نباشیم!

هدی (۲۸ ساله): تمام ۲۶۵ روز سال را در شب بیست و سوم می‌بینم. از خدا می‌خواهم دست مرا از دست خودم رها نکند. جماعتی آمدند و دست یاری از علی (ع) کوتاه کردند. همان کسی که شب تا سحر برای آنها دعا می‌کرد. از خدا می‌خواهم من از آن جنس جماعت نشوم.

مینو (۲۴ ساله): به کارهایی که انجام دادم فکر می‌کنم. به اشتباهاتی که مرتکب شدم. به مسیرهای غلطی که رفتم. به مسیری که در دست است فکر می‌کنم و یک سر رسید مسیر ترسیمی درست را می‌نویسم تا در طول یک سال بر اساس آن حرکت کنم.

شیدا (۳۵ ساله): هر سال بسیاری منتظر شب‌های قدر هستند تا دلی سبک کنند و قدری از گناهان‌شان را کاهش دهند. برای من شب‌های قدر در مقایسه با شب‌های دیگر حس و حال دیگری دارد. حس صفا و پاکی، آرام‌بخش و تأثیر گذار. دعا کردن و خواندن جوشن کبیر همیشه به من آرامش می‌دهد و این آرامش تا مدت‌ها در من تأثیر می‌گذارد. معمولاً بعد از شب‌های قدر احساس سبکی و راحتی می‌کنم و تلاش می‌کنم بیشتر از قبل حواسم به رفتار و کردارم باشد.

فرشته (۲۷ ساله): شب قدر برای من شب آرزو هاست.

رسول (۲۶ ساله): سال‌هاست در نگاه من شب قدر یعنی شروع سال جدید و همواره معتقدم هر سال باشی قدر شروع می‌شود. وقتی مقدرات یک سال مادر شب‌های قدر نوشته و امضا می‌شود، پس جز این نخواهد بود، حتی اگر شب قدر آخرین روز سال تقویم هجری شمسی باشد.

علی (۲۲ ساله): از ابتدای ماه رمضان به خواسته‌های شب قدر فکر و به صورت منظم درخواست‌های خودم را همان شب مطرح می‌کنم.

سیدحسین خادمیان نوش آبادی، مدرس حوزه و دانشگاه:

توسعه خوبی‌ها و بستن راه بدی‌ها را از زندگی امام حسن (ع) بیاموزیم

«امام حسن مجتبی (ع) معلمی است که بهترین درس‌ها را برای بهتر زیستن تعلیم داد. وی به ما یاد می‌دهد که قلب‌مان در باری پاکی باشد. انسان با خوبی است که از دیگران جلو می‌زند و بدی موجب عقب ماندن خواهد شد. امروز بیش از هر زمان دیگری به آموزه‌های سیره کریم‌اهل بیت (ع) نیاز داریم.» سیدحسین خادمیان نوش آبادی، مدرس حوزه و دانشگاه و دارای دکترای تاریخ اسلام از دانشگاه ارباب‌مذاهب در گفت‌وگو با «جوان» ضمن بیان مطالب فوق به بیان درس‌های زندگی امام حسن مجتبی (ع) برای انسان امروز پرداخته است.

خادمیان می‌گوید: نگاه ما به ائمه معصومین (ع) باید نگاه شاگردی و معلم باشد و حتی نگاه ما به خداوند متعال هم باید اینگونه باشد. نگاه ما وقتی به خدا شاگردی و معلمی بود، آن زمان درس خواهیم گرفت. چنانچه می‌فرمایند: «علم الانسان مالم يعلم» و حتی انبیا الهی هم به عنوان معلمان ما هستند. در سوره بقره می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا قِيَكُم رُسُلًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُؤْتِيكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (چنانکه در میان شما رسولانی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کنند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزه می‌گردانند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهند و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزند.)

وی بیان می‌کند: همه چیز را انسان به واسطه عقل به دست می‌آورد اما مواردی هست که معلمی فراتر از عقل می‌خواهد مثل اینکه با حرام است یا حرمت پدر و مادر چگونه است یا حقوق زن و مرد در قبال یکدیگر از همین موارد است. در واقع ائمه (ع) آمدند تا انسانی زیستن را به ما بیاموزند.

خادمیان با اشاره به اینکه امام حسن مجتبی (ع) یکی از همان معلم‌هاست که بهترین درس‌ها را برای بهتر زیستن

تعلیم دادند، توضیح می‌دهد: یکی از مواردی که همواره دوست دارم به آن برسیم از کلام امام حسن (ع) این است که «أنا الضامن لمن لم يهتسن في قلبه الا لرضا ان يدعو الله فيستجاب له؛ کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می‌کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند»، یعنی افراد ما قرب باشند زشتی، نجاست، حقد و کینه‌وار دقلب آنها نشود. تاهر آنچه خداوند گفت بگیرند چشم، یعنی اگر در زندگی به نتیجه‌ای نمی‌رسیم، باید ببینیم چه آلودگی‌ای وارد قلب‌مان شده است. اگر در زندگی مادی، معنوی و فردی در تمام ابعاد دچار گرفتاری هستیم نتیجه پلشتی‌ها و آلودگی‌هایی است که وارد قلب ما شده است. رفتارهای نامناسب موجب در جازدن خواهد شد.

وی تأکید می‌کند: امام حسن مجتبی (ع)، امام سخاوت و بخشش به ما یاد می‌دهد که قلب‌مان در باری پاکی باشد. انسان با خوبی است که از دیگران جلو می‌زند و بدی موجب عقب ماندن خواهد شد. در تاریخ وقتی نگاه می‌کنیم افرادی مثل فرعون، ابوجهل، ابولهب، ابوسفیان و معاویه تلاش کردند در بدی سبقت بگیرند. این افراد در مسابقه بدی دادند و در نهایت تاریخ گواه رفتار است. انسان باید و آلودگی بزرگ‌ترین جلود می‌زند و بدی موجب عقب ماندن انسان را بزرگ می‌کند. خوب بودن است. ملا محسن فیض کاشانی می‌گوید: «اگر می‌خواهید زبیا شوید، شبیه خدا شوید.»

این استاد دانشگاه بیان می‌کند: همه خدا را دوست دارند و از شیطان دور می‌شوند. همه سعی دارند شبیه خدا شوند. شبیه خدا شدن یعنی امر و نهی خدا را توجه کردن. امام حسن مجتبی (ع) تمام این خوبی‌ها را به ما یاد داده است. در حالات امام حسن مجتبی (ع) داریم

که اگر خانه‌ای را از کسی می‌خرید و بعد از چند سال متوجه می‌شد که او از این معامله پشیمان بوده یا در حسرت است، خانه را برمی‌گرداند و پول را پس نمی‌گرفت و می‌فرمود: خانه را برگردانم و پول هم برای تو و در جاسجده شکر می‌گذاشت که خدا یا شکر است از اینکه مرا برده دنیا کنده‌ی و باعث شدی به واسطه دنیا بدینده‌ای از بندگان تو را خوشحال کنم. این مؤلف کتب دینی می‌افزاید: امام حسن (ع) دشمنان بسیاری دارد تا جایی که همسر او دشمن او بوده است و تلاش کردند او را به حاشیه ببرند اما نام او جاودان و همچون خورشیدی فروزان است. اگر می‌خواهیم آرام زندگی کنیم و دنبال آرامش و امنیت هستیم، باید گذشت را از امام حسن (ع) یاد بگیریم.

به اعتقاد خادمیان امام حسن (ع) به ما آقایی را یاد داد و در رفتار آن حضرت دوری از هر گونه بردگی را شاهد هستیم. قلب ما باید گنجینه خوبی‌ها باشد نه سطل زباله زشتی‌ها. ما امروز بدی و خوبی را تشخیص می‌دهیم. امروز بیش از هر زمان دیگری به آموزه‌های سیره کریم‌اهل بیت (ع) نیاز داریم. وقتی از امام مجتبی (ع) پرسیدند عقل چیست؟ پاسخ داد: «عقل این است که انسان تلخی و غصه‌ها را تحمل و مدیریت کند تا غصه از بین برود.»

وی به نقل معرفی اشاره می‌کند که طریق آن امام حسن مجتبی (ع) در طول زندگی سه بار اموال خود را بین فقاری شهر تقسیم کرد. خادمیان در ادامه تصریح می‌کند: امروز افراد برای ندادن مهر به‌ای که حق زن است هزاران دروغ می‌گویند یا افرادی برای مهر به همسر خود را زندانی می‌کنند. ما باید بخشش مادی و معنوی را از امام حسن مجتبی (ع) بیاموزیم. این را باید به نسل جدید یاد دهیم که اثر بخشش و گذشت به خود مایر می‌گردد. انسانی که اهل عفو و گذشت باشد، امنیت خاطر و بار روانی مثبت دارد. امام حسن مجتبی (ع) کنار فقرا می‌نشید و با آنها هم غذا می‌شود و با فروتنی و تواضع کارگران را میزبانی می‌کند. بدانیم سخاوت، بخشش و اخلاق نیکو که طبق گفته امام حسن مجتبی (ع) اخلاق نیکو بهترین است، عزت و شخصیت آن به خود انسان برمی‌گردد.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه می‌دهد: اهل گذشت و بخشش بودن انسان را بزرگ می‌کند و او را به آرامش می‌رساند. کسی به امام حسن مجتبی (ع) و پدر و مادر او ناسزا گفت و حضرت خوب گوش دادند و فرمودند: معذرت می‌خواهم اگر حرفی زدم که تو را ناراحت کرد و اگر غریبی من یا تو رفیق می‌شوم و اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌کنم و در نهایت آن فرد عذر خواهی کرد. خادمیان در پایان خاطر نشان می‌کند: بیاموزیم که با هر توهینی نباید توهین کنیم و می‌توان با حرف و عمل زیبا هر فردی را شرم‌منده کرد. توسعه خوبی‌ها جا را برای زشتی‌ها می‌بندد. امام حسن مجتبی (ع) راه را بر زشتی‌ها تنگ کرد. حضرت وقتی می‌خواستند به کسی هدی بدهند، از او می‌پرسیدند چند فرزند در خانه داری؟ دختر یا پسر هستند و برای آنها هم هدی می‌پرسیدند. بی توسعه خوبی و زیبایی راه بر زشتی‌ها تنگ خواهد شد. امام حسن (ع) معلم وسعت دادن به خوبی‌هاست.



امام حسن مجتبی (ع) امام سخاوت و بخشش، به ما یاد می‌دهد که قلب‌مان در باری پاکی باشد. انسان با خوبی است که از دیگران جلو می‌زند و بدی موجب عقب ماندن خواهد شد. انسان با بدی و آلودگی بزرگ نمی‌شود و آنچه انسان را بزرگ می‌کند خوب بودن است توسعه خوبی‌ها را برای زشتی‌ها می‌بندد

